



دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی

گروه فرهنگ و زبان های باستانی

پایان نامه

برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ فرهنگ و زبان های باستانی

عنوان

بازتاب اندیشه های دینی در نگاره های هخامنشی

استاد راهنما

دکتر رحمان بختیاری

کتابخانه مرکزی
شعبه مرکزی

استاد مشاور

دکتر یعقوب محمدی فر ۱۳۸۸/۵/۱۲

پژوهشگر

مهناز باقری

اسفند ۱۳۸۶

۱۱۶۱۹۲



دانشگاه بوعلی سینا
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

با یاری خداوند بزرگ، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی خانم: **مهناز باقری** به شماره دانشجویی ۸۴۳۳۲۷۰۰۰۱ در رشته **فرهنگ و زبان های باستانی** دوره‌ی کارشناسی ارشد تاریخ ۸۶/۱۲/۱۴ ساعت ۱۶-۱۴ در سالن کنفرانس دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان برگزار شد.

این پایان‌نامه با عنوان :

«بازتاب اندیشه‌های دینی در نگاره‌های هخامنشی»

مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت و با نمره ۱۹٫۵ و درجه‌ی عالی به تصویب رسید.

داوران :

استاد راهنما

دکتر رحمان بختیاری

استاد مشاور

دکتر یعقوب محمدی فر

استاد داور داخلی

دکتر تیمور قادری

استاد داور خارجی

دکتر قهرمان شیری

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده

دکتر رحمان بختیاری

پیشکش به محضر مولایم
فرزند علی (علیه السلام) و فاطمه
(سلام الله علیها)

با

سپاس فراوان از

راهنمایی جناب آقای دکتر آرمان بختیاری

که این پایان نامه با کمک ایشان میسر شد

و

تقدیر بسیار

از زحمات جناب آقای دکتر یعقوب محمدی فر

که از مشورت های ایشان در این پایان نامه بهره بسیار بردم

با قدردانی از زحمات استادان محترم گروه فرهنگ و زبان های باستان

جناب آقای دکتر قادری

جناب آقای دکتر معینی سام

با تشکر

از کمک هم دوره های گرامی

به ویژه

جناب آقای دلیری

به یاد همه یادها

و به یاد

پدر عزیزم

و

به پاس زحمات جبران ناپذیر

مادر خوبم

تقدیم به

همسرم
یار و پشتیبانم

و

فرزندان بسیار خوب و شکیبایم
دختران همراهم

کلید واژه ها

هخامنشیان، هنر، اندیشه های دینی،

چکیده

با بررسی نمادها و تصاویر اسطوره ای در آثار هنری هخامنشیان، تأثیر اندیشه های دینی در نگاره های این دوره مورد مطالعه قرار می گیرد. از آنجا که در زمان پادشاهی هخامنشی، مردم سرزمین های تحت سلطه ایشان، چون عیلام، میان رودان و مصر، در ابراز باورهای دینی و اجرای مراسم مذهبی خویش آزادی یافتند، تأثیر اعتقادات مذهبی هنرمندان این اقوام در آثار هنری این دوره دیده می شود. برای درک بهتر باورهای دینی و آموزه های فرهنگی در نگاره های دوره هخامنشی، این تحقیق بر اساس مدارک و شواهد تاریخی، منابع کتابخانه ای و پایگاه های اطلاعاتی موجود، صورت گرفته است. بخش های اول و دوم پژوهش شامل نگاهی اجمالی به تاریخ شاهنشاهی و نگرش هنری - دینی هخامنشیان و تفکیک موضوعی نگاره های مربوط به این دوره می شود. بخش سوم به معرفی نمادهای انسان، حیوان، گیاه و هم چنین نمادهایی چون دایره بالدار، ایزدمهر، ماه و آتش می پردازد. پس از تحلیل نگاره ها، به بازتاب اندیشه های دینی در آثار هنری دوره هخامنشی پی می بریم .

فهرست مطالب:

پیش گفتار..... ۲

بخش ۱

- ۱-۱-هدف پژوهش..... ۴
- ۱-۲-بیان مسأله..... ۵
- ۱-۳-روش تحقیق..... ۸
- ۱-۳-۱-مراحل تحقیق..... ۸
- ۱-۳-۲-مشکلات و کمبودها..... ۹
- ۱-۴-آشنایی با جغرافیا و اوضاع اجتماعی-سیاسی ایران باستان..... ۱۱
- ۱-۵-تاریخ پادشاهی هخامنشی..... ۱۴
- ۱-۵-۱-هنر هخامنشی..... ۱۸
- ۱-۵-۲-نگرش دینی قوم پارس..... ۲۰

بخش ۲

- ۲-۱-نقش برجسته و نگارگری در دوره هخامنشی..... ۲۶
- ۲-۲-نگاره ها به صورت موضوعی در هنر هخامنشی..... ۲۸

- ۲۹ ۲-۲-۱- انسان در نگاره های هخامنشی
- ۳۰ ۲-۲-۱-۱- نگاره انسان بر دیواره ها و سنگ ها
- ۳۰ ۲-۲-۱-۱-۱- پاسارگاد
- ۳۵ ۲-۲-۱-۱-۲- شوش
- ۳۷ ۲-۲-۱-۱-۳- تخت جمشید
- ۴۸ ۲-۲-۱-۱-۴- بیستون
- ۵۲ ۲-۲-۱-۱-۵- نقش رستم
- ۵۴ ۲-۲-۱-۲- نقش انسان بر اشیاء دوره هخامنشی
- ۵۷ ۲-۲-۲- نماد و نقش حیوانات در هنر هخامنشی
- ۵۸ ۲-۲-۲-۱- نقش حیوان بر دیوار نگاره ها و نگار کند ها
- ۵۹ ۲-۲-۲-۲- نقش حیوانات بر اشیاء دوره هخامنشی
- ۶۳ ۲-۲-۳- نماد و نقش های ترکیبی در هنر هخامنشی
- ۶۳ ۲-۲-۳-۱- انسان - حیوان
- ۶۴ ۲-۲-۳-۲- حیوان- حیوان
- ۶۵ ۲-۲-۴- نماد و نقش های گل و گیاه در هنر هخامنشی

بخش ۳

- ۶۸ ۳-۱- اسطوره ها و نماد ها
- ۷۱ ۳-۱-۱- انسان بالدار
- ۷۴ ۳-۱-۲- نگاره ماهی- مرد
- ۷۷ ۳-۱-۳- گاو- مرد

- ۷۸ ۳-۱-۴- کژدم - مرد
- ۷۹ ۳-۱-۵- بیکره داریوش
- ۸۱ ۳-۲- نمادها و اساطیر در نقش های حیوانات
- ۸۲ ۳-۲-۱- اسب
- ۸۳ ۳-۲-۲- گاو
- ۸۶ ۳-۲-۳- قوچ
- ۸۷ ۳-۲-۴- مارال و بز کوهی
- ۹۰ ۳-۲-۵- شیر، گریفین، اسفکس
- ۹۰ ۳-۲-۵-۱- شیر
- ۹۷ ۳-۲-۵-۲- گریفین
- ۹۸ ۳-۲-۵-۳- اسفکس
- ۱۰۱ ۳-۳- گیاهان در نگاره های هخامنشی
- ۱۰۱ ۳-۳-۱- آشنایی انسان یا درخت
- ۱۰۶ ۳-۳-۲- درخت در ایران باستان
- ۱۰۹ ۳-۳-۲-۱- نخل
- ۱۱۲ ۳-۳-۲-۲- سرو
- ۱۱۶ ۳-۳-۳- گل نیلوفر در نگاره ها
- ۱۲۵ ۳-۴- نماد فروهر در دوره هخامنشی
- ۱۲۸ ۳-۴-۲- پیشینه تاریخی نماد فروهر
- ۱۳۸ ۳-۵- ایزد مهر
- ۱۴۰ ۳-۵-۱- تاریخچه مهر پرستی
- ۱۴۳ ۳-۵-۲- آئین مهر و نگاره های هخامنشی

۱۴۶..... ۳-۵-۳- نمادهای مهر

۱۵۷..... ۳-۶- نماد ماه و آتش

۱۶۰..... نتیجه پژوهش

۱۶۶..... چکیده انگلیسی

فهرست منابع:

I..... فهرست منابع فارسی و پایگاه های اینترنتی

VI..... فهرست منابع لاتین و پایگاه های اینترنتی

فهرست منابع تصاویر:

VIII..... الف: فهرست منابع فارسی و پایگاه های اینترنتی تصاویر

IX..... ب: فهرست منابع لاتین و پایگاه های اینترنتی

X..... فهرست تصاویر

پیش‌گفتار

از آنجا که هنر را می‌توان آیینی تمام‌نمای هویت فرهنگی انسان‌ها در هر جامعه و هر عصر دانست، در این صورت آشنایی با هنر مربوط به تمدن‌های باستانی و حوزه‌های فرهنگی کهن از لازم‌ترین دانش‌های بشری محسوب می‌شود. در کشور ایران نیز با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متنوع گسترده‌ای روبرو هستیم که هر یک از این فرهنگ‌ها بر پایه‌ی یک یا چند تمدن کهن استوار بوده‌اند. به دلیل آزادی افکار و مذاهب در ایران، احترام به فرهنگ سرزمین‌های تحت سلطه، و به کارگیری نیروهای کارآزموده سایر ملل در خلق آثار ماندگار از سوی پادشاهان هخامنشی، ورود فرهنگ‌ها و آیین‌های گوناگون به این سرزمین اجتناب‌ناپذیر بود. به همین سبب شناخت نقوش هخامنشی مستلزم شناخت اقوام و ملل آن دوره و آداب و رسوم مربوط به آنها و هم‌چنین شناخت تمدن کهن سرزمین پهناور ایران است. بیشتر آثار دوره هخامنشی از هنرهای صرفاً تجسمی دور و نمادها به نحو شایسته‌ای در جای خود دیده می‌شوند. هر نماد معانی و مفاهیم مخصوص به خود دارد و در حقیقت یک زبان یا نوشته است که با گذشت زمان فراموش گردیده یا معنی خود را از دست داده و کم‌کم در هنر ایران حالت تزیینی به خود گرفته است. از طرفی مشاهده می‌گردد که هنر تنها برای زیبایی نبوده است و عقاید دینی و باورهای آیینی هنرمندان در زمینه کلی آثار آشکار هستند. تحلیل آنها از نیروهای زندگی و مرگ، آنها را به تفکر در مورد فراسوی واقعیت سوق داده و ایشان را به خلق آثاری جاودان هدایت کرده است. یادآوری می‌شود که نقوش دوره هخامنشی تقریباً از قرن هفدهم میلادی بسیار دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در دهه ۱۹۳۰ پژوهشگرانی چون ارنست هرتسفلد و سپس اریک اشمیت بررسی‌های گسترده‌ای از نظر کمی و کیفی، بر روی آثار این دوره انجام داده‌اند (روف، ۱۹۸۳: ۳۹). با وجود کار بسیار پرارزش آنها و گسترش یافتن هر چه بیشتر زمینه‌های پژوهش، متأسفانه تحقیقات منسجمی از سوی محققین علوم انسانی و تاریخ‌شناسان ایرانی در مورد تشخیص نمادها و اسطوره‌های دینی در نقوش باستانی ایران بطور جدی انجام نگرفته است.

بخش (۱)

۱-۱- هدف پژوهش

در آثار دوره هخامنشی اسطوره های بسیاری وجود دارند که وام گرفته از فرهنگ دیگر ساکنان نجد ایران و سایر ملل تحت سلطه آنان هستند. این تحقیق در ارتباط با هنر این دوره، تا حد امکان به شناخت اسطوره ها، نمادها یا انگاره ها می پردازد و در پی یافتن رد پای اندیشه های دینی تمدن های پیشین در باورهای قوم پارس است. در این راستا آشنایی هر چند اجمالی با نمادها، اندیشه ها و آثار هنری برجای مانده از تمدن هایی چون میان رودان، سومر، بابل، اکد، آشور، مصر و سایر مناطق تحت نفوذ هخامنشیان به نظر لازم می آید و کمک می کند تا اندازه ای از تفکرات حاکم بر هنر هخامنشی آگاه شویم. با توجه به اینکه شناخت بیشتر فرهنگ ایران باستان و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جوامع ایران باستان امری ضروری است، این موضوع مورد نظر پژوهش حاضر قرار گرفته است.

۲-۱- بیان مسئله

حقایق و وقایع بیشماری که ماوراء درک بشر قرار دارند او را مجبور کرده است تا برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان، فهم و توصیف کلامی آنها مشکل بوده اند نظام‌هایی از علائم گوناگون و یا تصاویری انتزاعی ابداع کند. کارل گوستاو یونگ می‌گوید: واژه یا تصویر، زمانی شکل می‌گیرد که متضمن چیزی در ماوراء معنای آشکار و مستقیم خود باشد. تصاویر ابداع شده در هر زمان دارای جنبه‌ای وسیع و ناخودآگاه هستند که ارائه‌ی تعریفی دقیق از آن تقریباً امکان ندارد (هوهنه‌گر، ۱۳۷۰: ۲۱-۱۳) هنگامی که ذهن به پویای تصویری انتزاعی می‌پردازد با اندیشه‌هایی برخورد پیدا می‌کند که در ماورای قابلیت‌های منطقی-عقلانی آن قرار دارند. اندکی تأمل ما را به این نتیجه می‌رساند که بشر قادر به دریافت و درک کامل هیچ چیز نیست. او می‌تواند ببیند، بشنود، لمس کند و بچشد و تمام این قابلیت‌ها و تمام آگاهی‌های او وابسته به کیفیت و کمیت قوای احساسی اوست. انسان علاوه بر به کارگیری زبان گفتاری از طریق استفاده از علائم نوشتاری، در تمام ابعاد، فاصله‌های بعید زمانی و مکانی را کاهش می‌دهد و از این طریق ایجاد ارتباط می‌کند. در هر دوره‌ای این علائم؛ مانند نشانه‌ها یا علائم تصویری بر مبنای افکار و آداب هر قوم متفاوتند. بشر اولیه هم حتی به منظور انتقال افکار و امیالش تصاویری را بر صخره‌ها حک میکرد. از این رهگذر، اندیشه، که تا آن زمان فقط از طریق صوت (زبان) یا حرکات بدن بیان میشد، این قابلیت را پیدا کرد تا ثبت گردد و پایدار بماند. هنوز معنی بسیاری از تصاویری که بر جای مانده اند کشف نشده است و تنها احتمال می‌رود که مربوط به شعائر مذهبی و یا مراسم جادو باشند. در هر حال بسیاری از تصاویر آنچنان عمیق و پرمفهوم بنظر می‌آیند که نمی‌توان آنها را تنها بازیهایی تصویری تصور کرد. مثلاً انسان ابتدایی با کندن نقشی دایره وار بر سنگ معنای "خورشید-روز-ابدیت" را القاء میکرد و یا از طریق خطوطی موج دار خبر از وجود آب می‌داد. به این ترتیب زبان تصویری تولد یافت و مستقل از هر نوع محدودیت زبانی همچنان

در حال پیشروی است. نمادهای تصویری و نمادهای مفهومی بنا بر محتوایی که دارنداز یکدیگر متمایز می‌گردند، ولی در حالت عادی و به خودی خود میان آنها تفاوتی دیده نمی‌شود. در واقع یک نماد تصویری می‌تواند از طریق ایجاد تغییرات در عناصر ایده مورد نظرش آنرا به نحوی انتزاعی نشان دهد، در حالیکه نماد مفهومی بر ماهیت یک ایده تاکید می‌کند و در نتیجه صورتهایی را به کار می‌گیرد که به جای اشاره به خود شیئی، به مفهوم آن اشاره می‌کند. از طرفی انتخاب نماد مفهومی یا نماد تصویری را خود موضوع تعیین می‌کند. بنابراین، نگاره‌ها و یا اسطوره‌هایی که موضوعاتی فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی را عنوان می‌کنند، با نمادی مفهومی همراه می‌شوند. از سوی دیگر باید توجه داشت که تناسب موضوعی، یکپارچگی گشتالتی* و تاثیر بصری، عناصر اولیه یک نماد هستند. به همین ترتیب پیدایش اسطوره نیز خود بازتابی از اندیشه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی هر دوره و دوران پیش از آن می‌تواند باشد. هیچ تمدن کاملاً خودمختاری وجود ندارد که هیچگونه ارتباطی با سایر تمدن‌های ماقبل خود نداشته باشد (الیاده، ۱۳۷۴: ۲۳۹). در قرن حاضر، ارتباط شرایط گوناگون تاریخی با یکدیگر، مبحث جدیدی در روانشناسی ژرفنا گشودم است که روان انسان را دارای ابعادی تاریخی می‌داند، آنچنانکه نیازمند کسب دانش وسیع درباره ارزش‌های تاریخی و دینی خویش و سایر فرهنگ‌هاست. با بررسی فرم‌ها و نقش‌ها، که در بسیاری از موارد بارور مفاهیمی ژرف و معرف نگرش و اعتقاداتی خاص هستند و در طول تاریخ و در بستر فرهنگ‌ها جایگاهی خاص و پرمعنی را به خود اختصاص داده‌اند، شاید بتوان به نتایج مطلوبی دست یافت. این گونه نقوش «نماد» خوانده می‌شوند. نمادها با بافت اجتماعی - اعتقادی فرهنگ‌ها در هم آمیخته و نشانه هویت اقوام و ملل می‌گردند. نماد صلیب، قرص بالدار خورشید، پیکره‌های، واز این قبیلند که در مرزهای تاریخ، اسطوره و دین سیر می‌کنند (ذکرگو، ۱۳۶۵: ۱۷۰).

*Gestalt کلمه آلمانی است و مفهوم آن کلی است که معنایش چیزی جدا از معنای مجموعه اجزاء آن است. اشاره به مکتب روانشناسی گشتالت است که پدیده‌ها را به

عنوان یک کل می‌نگرد نه مجموعه‌ای از اجزاء سازنده آن.

نمادها و انگاره های بازمانده از اذهان و اندیشه های مردمان هزاره های دور و دراز گویای آنچه هستند که تاریخ قادر به بیان آنها نیست و با شناخت نقوش و نمادهای باستانی می توانیم تصویر و تصویری از اندیشه های بنیادین پیشینیان خود به دست آوریم (هوهنه گر، ۱۳۷۰: ۱۹). با توجه به اینکه آثار مکتوب قابل اعتمادی از دوره باستان به جای نمانده است، آثار هنری را می توان به عنوان پدیده ای گویا و واسطه انتقال مفاهیم و اطلاعات، مورد وثوق قرار داد. با آگاهی از باورهای پیشینیان خویش، به تصویری از عمق اندیشه های آنها، که هنوز در ضمیر ناخودآگاه جمعی مان جاریست، می رسیم. آفرینش هنری اصلی ترین و ابتدایی ترین مرحله پاسخگوی نیاز روحی انسان بوده و از آغاز آفرینش، هنر به عنوان یک بعد روحانی و پاسخ به یک ندای درونی، جزئی از ذات انسان به شمار می رفته است. این نیاز ذاتی در هر دوره رشد، تکامل و جلوه های متنوعی داشته و همواره به عنوان یکی از ابعاد والای انسانی که او را از دیگر جانداران متمایز می نموده مورد توجه بوده است. در پی بیان این مطلب می توان به فرضیه هایی دست یافت که با اثبات آن ها به پاسخ سئوالات متعددی که پیش می آیند، رسید. یک نمونه از این فرضیه ها و سئوالات در این پژوهش مطرح شده اند.

فرضیه: نمادها و نقش مایه ها در آثار هنری، برگرفته از باورها و اندیشه های کهن متأثر از نیروی الهی است که در طول تاریخ و عرض جغرافیا همواره جریان دارد و بازتاب اندیشه های دینی در نگاره های دوره هخامنشی از این نیروی الهی، که منشأ ظهور آثار ارزشمندی گشته است، خبر می دهد،

سؤال: آیا می توان یکی از علل برجای ماندن برخی از آثار هنری دوران کهن را به جهت ابعاد روحانی

آن دانست؟

۳-۱- روش تحقیق

در این پژوهش نقش هایی مورد بررسی قرار می گیرند که مربوط به دوره هخامنشی باشند و در ارتباط با این نقش ها، آثار هنری دیگر تمدن های پیش از آن، جهت مقایسه آورده می شوند. نقش ها و نگاره ها در موارد زیر بررسی می شوند:

- (سنگ- دیوار) نگاره ها
- نگارکندها
- ظروف
- سکه
- لوازم زینتی و جواهرات
- سلاح، غلاف، زین و ابزار جنگی
- لوح و پلاک
- منسوجات

تعداد آثار گرچه بسیار زیادند اما نقش هایی تکراری دارند، به همین جهت معیار گزینش نگاره ها در این پژوهش، فصل مشترکی از نقش هایی است که در نگاره ها تکرار شده اند. همانگونه که گفته شد، بررسی آثار هخامنشی مستلزم آشنایی با سایر آثار هنری اقوام گذشته ساکن نجد ایران است. برای دستیابی به این منظور از روش میدانی- کتابخانه ای، رجوع به پایگاه های اینترنتی، کتابخانه های دیجیتالی، لوح های فشرده تصویری، نشریات و فصل نامه ها استفاده شده است.

۱-۳-۱- مراحل تحقیق

۱- انتخاب ابزار مناسب مانند کتاب، مقاله، لوح فشرده و نشریات باستانشناسی و تاریخی، که در ارتباط با موضوع مورد بحث باشند.